

۳
گفتار در

غلو پروری

تألیف

جوا جبا بخش



انشارات امیر

۵۵۳

سرشناسه : جهانبخش ، جویا ، ۱۳۵۶ -
 عنوان و نام پدیدآورنده : سه گفتار در غلوپژوهی / تألیف جویا جهانبخش .
 مشخصات نشر : تهران : اساطیر ، ۱۳۹۰ .
 مشخصات ظاهری : ۲۹۶ ص (انتشارات اساطیر ، ۵۵۳)
 شابک : 2 - 484 - 331 - 964 - 978
 فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا
 موضوع : غلو .
 رده بندی کنگره : ۹۹۹/۳۷/۲۲۲۵ BP
 رده بندی دیویی : ۴۶۴ / ۲۹۷
 شماره کتابشناسی ملی : ۲۳۶۵۸۰۱

قیمت : ۱۰۵۰۰ تومان



سه گفتار در غلوپژوهی

تألیف : جویا جهانبخش

چاپ اول : ۱۳۹۰

حروفچینی : محمدی

لینوگرافی : طیف نگار

چاپ : دیبا

شمارگان : ۱۱۰۰ نسخه

شابک : 2 - 484 - 331 - 964 - 978

حق چاپ برای ناشر محفوظ است .

نشانی : میدان فردوسی ، ابتدای ایران شهر جنوبی ، ساختمان ۱۰ (پلاک ۸)

تلفن : ۸۸۲۱۴۷۳ - ۸۸۳۰۱۴۸ - ۸۸۳۰۱۹۸۵ نمابر :

- سخنِ آغازین ۹
- گفتارِ نخست:
- «نَزَّلُونَا عَنِ الرَّبُّوبِيَّةِ...»: کارآمدترین خاکریزِ جنگ و نیرنگِ غالیان ۲۱
- گفتارِ دوم:
- علمِ إمامان - عَلَيْهِمُ السَّلَام - در اصولِ کافی: نمونه‌ای از برای چند و
- چونِ سازش «حدیث» با «کلام» ۱۸۳
- گفتارِ سوم:
- میراثِ جابر بنِ حَيَّان یا مُرده‌ریگِ کیمیائیِ غالیان؟ (بك کتابگزاری و
- چند یادآوری) ۲۳۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى
 سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَئِمَّةُ الْهُدَى

سخنِ آغازین

«نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ سُبَاتِ النِّعَالِ»^۱

امیرِ مؤمنان علی - علیه السلام -^۲

دفتری که زیرِ نام سه گفتار در غُلُوگروهِی در معرض دید و داوری خواننده ارجمند نهاده می شود، برآیند گوشه‌ای از کوششهای نگارنده این سطور در بازشناختن و بازشناساندن غُلُوگرایی و اندیشه‌های غالبانه و موارِثِ مکتوبِ غُلُوگرایان است که از برای گزارِ وظیفه دشوارِ «تحقیق» در اندیشه دینی و حصولِ آرمانِ مبارکِ «دین‌ورزیِ محققانه» صورت بسته است.

۱. یعنی: از خُفتنِ خِرَد به خدا پناه می‌بریم.
۲. رسائل الشریف المرتضی (المجموعة الثالثة)، تقدیم و إشراف: السید أحمد الحُسینی [الإشکوری]، إعداد: السید مهدی الرجائی، قم: دار القرآن الکریم، ۱۴۰۵ هـ. ق.، ص ۱۴۰؛ و: نهج البلاغة، با ترجمه و شرح حاج سید علی نقی فیض الإسلام، ج: ۶، تهران: سازمان چاپ و انتشاراتِ فقیه، ۱۳۷۹ هـ. ش.، ص ۷۱۴ (خ ۲۱۵)؛ و: همان، تحقیق: فارس تبریزیان، تعلیق و فهرسة: الدكتور صبحی الصالح، ط: ۴، قم: مؤسسه دارالهجرة، ۱۴۲۷ هـ. ق.، ص ۴۳۹ (خ ۲۲۳).

موضوع غلوگرایی و غالبگری، نه تنها به مَثَابِتِ پدیده‌ای که در دوردستهای تاریخ ما حضور و ظهوری شگرف داشته و آموزه‌های ویرانگر و شَرَنگ‌آسایش را در مُرده‌ریگِ زهرآلودی که اینجا و آنجا در مکتوباتِ پیشینیان به چشم می‌آید پراکنده است، بلکه به عنوانِ موضوعی زنده و آسیبی فزاینده در گسترهٔ جامعهٔ دینی ما، شایستهٔ بررسی و پژوهش است.

مایهٔ نگرانی و شرمساری است که در برابرِ دهها کتاب و رسالهٔ غلوگرایانه که هر سال به تودهٔ مطبوعاتِ دینی افزوده می‌شود، اَغْلَبَ حَتَّى يَكُ رِسَالَةٌ نَاقِدَانَهُ وَ غُلُوْهُ پُروانه - تا چه رسد به غُلُوْستیزانه! - به عرصه نمی‌آید. این خود نمودی از حضورِ گسترده و ظهورِ بی‌پردهٔ غلوگرایی در گسترهٔ فرهنگ و اجتماع ماست.

رواجِ «خشوگیری» (و فرقی نهادن میانِ حُجَّة و لَاحِجَّة در عرصهٔ فکرِ دینی)، مؤثرترین بسترگسترِ این آسیب و انحراف بوده است؛ «انحرافی که» - به تعبیرِ یکی از دانش‌آموختگانِ فاضلِ حوزه‌های علمیه - «بی‌شک علمای خاموش ما از آن بازخواست خواهند شد»^۱.

از رسولِ خدا - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ - منقول است که فرمود:
 «إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالَمُ عِلْمَهُ، فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ
 اللهُ!»^۲

۱. خاتِمَت و ولایت، محمدسعید بهمن‌پور (و) جعفرِ سُبْحانی تبریزی (و) عبدالکریم سُروش، ج: ۲، تهران: نشرِ سمپاد، ۱۳۸۵ ه. ش.، ص ۳۶ (از نامهٔ حجة الاسلام والمسلمین محمدسعید بهمن‌پور به دکتر عبدالکریم سُروش).
۲. الْأُصُولُ مِنَ الْكَافِي، ثقة الاسلام أبو جعفر محمد بن یعقوب الكلینی الرّازی، صححه و علّق علیه: علی أكبر الغفّاری، ط: ۵، طهران: دارالکتب الاسلامیة،

(یعنی: هرگاه که بدعتها در اُمّت من پدیدار گردند، عالم باید علم خود را آشکار گرداند؛ پس هرکه چنین نکند، نفرین خدا بر او باد!).

از بدترین پیامدهای خاموشی دانایان و آگاهانی که مسؤولیتهای بزرگ متوجه آنهاست، این است که ناآگاهان بر سخن پراکنی خود دلیر و دلیرتر می شوند و بیاطل در این خیال می افتند که اکسیر می کنند! از منظر دیگران هم خاموشی دانایان چونان تقریر و تأییدی بر سخنان ناآگاهان به قلم می رود!

→ ۱۳۶۳ ه. ش. ۵۴/۱ «باب البدع و الرأی و المقائیس»، ح ۲.

۱. و البته چنین تلقی و برداشتی، نوپدید و دور از انتظار هم نیست.

از یاد نبرده ایم که مرحوم ملا آقاي دربندی با آن منظر ویژه و شور صافیدلانه خاص در مواجهه با اخبار حادثه کربلا، وقتی به داستان عروسی قاسم می رسد، یعنی همان داستان که به قول آیه الله شهید مرتضی مطهری «دروغ و صد در صد دروغ است» (مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج: ۱۰، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۶ ه. ش.، ۷۷/۱۷)، آری، وقتی به این داستان می رسد و بر مبنای همان اندیشه ها و نگرشهای ویژه خویش به دفاع از این قصه می پردازد، از جمله می نویسد:

«إِنَّ الرِّثَاةَ وَالْقُرَاءَ قَدِيمًا وَحَدِيثًا، جِيلًا بَعْدَ جِيلٍ، وَعَصْرًا بَعْدَ عَصْرٍ، مِنْ أَهْلِ كُلِّ الْأَقَالِيمِ، مِمَّا فِيهِ طَائِفَةٌ مِنَ الشَّيْعَةِ وَالْمَوَالِئِ لِأَهْلِ الْبَيْتِ، مِنْ أَهْلِ الْأَمْصَارِ وَالْقُرَى وَالرَّسَائِقِ، يَذْكُرُونَ هَذِهِ الْقِصَّةَ فِي رُؤُوسِ الْأَشْهُادِ فَوْقَ الْمَنَابِرِ، وَفِي كَثِيرٍ مِنَ الْمَادِبِ وَالْمَجَالِسِ مِنْ مَجَالِسِ ذِكْرِ التَّعْزِيَةِ وَالْمَصَائِبِ بِحُضُورِ جَمَاعَةٍ مِنَ الْعُلَمَاءِ الْأَتْقِيَاءِ وَالْفُضَلَاءِ وَالصَّالِحَاءِ، وَلا يَمْنَعُونَ الرِّثَاةَ وَذَاكِرِي الْمَصَائِبِ عَنْ ذِكْرِهَا، وَلا يَنْسَبُونَهُمْ لِأَجْلِ ذَلِكَ إِلَى الْكُذْبِ وَالْإِفْتِرَاءِ» (إكسیر العبادات فی أسرار الشّهادات، آغا بن عابد الشیروانی الحائری المعروف ب: الفاضل الدّربندی، تحقیق: محمّد جمعه بادی - و - عباس ملّاعطیة الجمری، ط: ۱، قم: دار ذوی القربى، ۱۴۲۰ ه. ق.، ۳/۳۰۸؛ با إصلاح يك نادرستی چاپی).

عَجَب آن است که هرگاه از گزافه‌گوئی‌ها و غلوپاوری‌ها در جامعه کنونی ما سخنی به میان می‌آید، اُغْلَب انگشتِ اِشَارَت به سوی «مَدَاحان» و شاعران و مانند ایشان نشانه می‌رود؛ حال آن‌که اگر برخی شاعران غُلُوّی در سخن خود درج کرده‌اند - که کرده‌اند! - و اگر بعضی مَدَاحان یاوه‌ای گفته‌اند - که گفته‌اند!^۱، پَنایِ لِرزان و ویرانِ آن غُلُو سَرائی و این یاوه‌دَرائی بر آن خَشْتِ کَج بلند گردیده که «معمار» نهاده است! به عبارتِ دیگر، اگر نبود بسیاری از آنچه آن دستارِ بند و این خِرَقه‌بردوش می‌گویند و می‌نویسند، شاعر و مَدّاح نیز هرگز کارِ بدان‌جا نمی‌رسانیدند.

مگر نه آن‌که امروز نیز هنوز جماعتی در زُمَره دستاربندان به نشر و ترویجِ اُمثالِ «خَبَرِ نَوَانِیث» و «خطبة‌البیان» حریصانه اهتمام دارند و از هَتَكِ حُرْمَتِ مُشْفِقَانِی که بصیرانه رخنه‌تردید را در صَحَبِ فُلانِ روایت فرانمایند اِِبائی نه؟ و مگر نه آنکه اَفکار و اندیشه‌های اُمثالِ حافظِ رَجَبِ بُرسی و میراثِ مکتوبِ او و مانند او از سوی بعضی اُریابِ عمائم ترویج و

→ جانِ کلامِ فاضلِ دربندی همین است که: اگر داستانِ عروسیِ قاسم بی‌پایه است، چرا علمایِ صالح و متقیِ حاضر در مجالسِ عزاداری و مصیبت‌خوانی، گویندگان و مصیبت‌خوانان را از نقلِ آن مانع نمی‌آمده‌اند؟! ... به عبارتِ دیگر، دربندی، خاموشیِ اَهلِ علم را به‌مثابَتِ تأیید و تقریرِ ایشان نسبت به داستانِ مذکور تلقی می‌کند و شاهدی بر صدق و وقوعِ آن حکایت می‌گیرد.

۱. برای آشنائی با عوام‌زدگی‌های پدیدآمده در این عرصه و بویژه روندِ اخیرِ «مَدّاحی عامه‌پسند» و به‌طورِ اَخَص رگه‌هایِ غالیانه و شعارهایِ باطلِ موجود در این روندها، نگر: رسانهٔ شیعه (جامعه‌شناسیِ آئین‌هایِ سوگواری و هیتهایِ مذهبی در ایران)، محسن حسام‌مظاهری، ج: ۲، تهران: شرکتِ چاپ و نشرِ بین‌الملل، ۱۳۸۷ ه.ش. (صص ۲۳۸-۲۶۴؛ و - بویژه - ص ۴۸۶ و ۴۸۷ و ۴۲۱-۴۲۳).

تحسین می شود؟^۱ و در مقابل، بنیانهای فکر و فرهنگِ امامیه چون مُفید و مُرتضی و طوسی را بتصریح یا تلویح مطعون می سازند؟
ای عَجَب دُلّتان بَنگرفت و نَشُد جائِتان مَلول
زین هواهای عَفِن، وین آبهای ناگوار!^۲

۱. این دلِ حالی است که به تصریح بعضی فقهای معاصر، مراجعه افرادِ عادی به چنین کتابها، منهی عنه است:

«ایا می توان به مندرجات کتاب شرح الزیارة احساسی یا کتب حافظ رجب بررسی اعتماد نمود؟

پاسخ: به احتیاط واجب اشخاصی که سرمایه علمی کافی ندارند که شبهات را جوابگو باشند به این کتابها مراجعه نمایند.»

(۱۱۰ سؤال از محضر آية الله العظمی حاج سید عزالدین حسینی زنجانی، گردآورنده: سید احمد حسینی موسوی، ج: ۱، زنجان: انتشارات مهدیس، ۱۳۸۴ هـ. ش.، ص ۸ و ۹).

أهل اطلاع می دانند که پاسخگوی این استفتاء، علاوه بر فقاهت و مرجعیت فقهی، مدرّس فلسفه و عرفان، و آئین مثنوی مولوی، و در فنون معقول مُعتمَد بزرگی چون علامه طباطبائی بوده است (از برای آشنائی بیشتر، نگر: آینه داران حقیقت، تهیه و تدوین: مجله حوزه، ج: ۱، قم: بوستان کتاب قم، ۱۳۸۲ هـ. ش.، ۱/ ۲۸۹-۳۲۶ و ۵۵۳-۵۷۱). پس دور می نماید کسی این تهی و احتیاط را ناشی از «قشریگری»ی مُصطلح بیندارد.
۲. بیتي است از چکامه بلند آوازه جمال الدین محمد بن عبدالرزاق اصفهانی (ف: ۵۸۸ هـ. ق.)، به آغاز::

الجدار ای غافلان! زین وحشت آباد الجدار

الفرار ای عاقلان! زین دیومردم الفرار

نگر: راحة الصدور و آية الشّور (در تاریخ آل سلجوق)، محمد بن علی بن سلیمان راوندی، به سعی و تصحیح محمد اقبال، با مقدمه بدیع الزمان فروزانفر، و تصحیحات لازم مجتبی مینوی، ج: ۱ (افست از روی طبع لیدن)، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۸۶ هـ. ش.، ص ۳۳.

زنده‌تر و توفنده‌تر باد این کلماتِ مروی از سالار شهیدان و سرورِ آزادگان، حُسَین بن علی - عَلَیْهِمَا السَّلَام -، که:

«... لَقَدْ خَشِيتُ عَلَيْكُمْ - أَيُّهَا الْمُتَمَتُّونَ عَلَى اللَّهِ! - أَنْ تَحِلَّ بِكُمْ نِقْمَةٌ مِنْ نِقْمَاتِهِ لِأَنَّكُمْ ... قَدْ تَرَوْنَ عُهُودَ اللَّهِ مَنقُوضَةً فَلَا تَفْرَعُونَ، وَ أَنْتُمْ لِبَعْضِ ذِمِّهِ آبَائِكُمْ تَفْرَعُونَ!، وَ ذِمَّةُ رَسُولِ اللَّهِ مَخْفُورَةٌ...»؛ «... لَا فِي مَنَزِلَتِكُمْ نَعْمَلُونَ وَ لَا مِنْ عَمَلٍ فِيهَا تُعِينُونَ...»^۱

((ای طمع‌جویان از خداوند! می‌ترسم عقوبتی از عقوبت‌هایِ اِلهی بر شما فرود آید؛ چه شما ... گاه می‌بینید که عهد‌هایِ اِلهی نقض گردیده و هراسناک نمی‌شوید، ولی برای برخی پیمان‌هایِ پدران‌تان می‌هراسید! حال آن‌که پیمانِ رسولِ خدا شکسته شده ...^۲؛ ... نه درخورِ پایگاه‌تان رفتار

۱. الحُسَین - علیه السَّلَام - : سِمَاة و سِرَّة، السَّيِّد مُحَمَّد رِضَا الحُسَینِی الجَلالی، ط: ۲، قم: دارالمعروف، ۱۴۲۵ ه. ق.، ص ۱۱۰.

در ثَخَفِ العُقُولِ ویراسته شادروان استاد علی‌اکبر غفاری (قم: مؤسسه النُّشْرُ الإِسْلَامِی، بی‌تا، ص ۲۳۸) در متن، به جای «مَخْفُورَةٌ»، «مَحْفُورَةٌ» آمده و در حاشیه یادآوری شده است که در بعضی نسخ «مَخْفُورَةٌ» آمده.

از برای وقوف بر اَهَمِّیَّتِ این روایتِ طولانی ثَخَفِ العُقُولِ - که ما عباراتی از آن را آوردیم - و عنایت و اهتمام فقیهان به آن، از جمله نگر کتاب البَّیْع، آیة‌الله الإمام الخُمَینِی، ط: ۱، مؤسسه تنظیم و نشر آثار الإمام الخُمَینِی، ۱۳۷۹ ه. ش. / ۱۴۲۱ ه. ق.، ۶۵۱/۲؛ و: دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدَّوْلَة الإِسْلَامِیَّة، آیة‌الله المُنْتَظَرِی، ط: ۱، قم: مکتب الإعلام الإسلامی، ۱۴۰۸ ه. ق.، ۳۱۱/۱؛ و: ثلاث رسائل، آیة‌الله السَّيِّد مُصْطَفَی الخُمَینِی، ط: ۱، مؤسسه تنظیم و نشر آثار الإمام الخُمَینِی، ۱۳۷۶ ه. ش. / ۱۴۱۸ ه. ق.، ص ۲۹ و ۳۰؛ و ...

۲. از برای این معنا، نیز نگر: نهج البلاغه، ط. فیض الإسلام، ص ۳۱۷ (خ ۱۰۵)؛ و: ط. فارس تبریزیان، ص ۱۸۷ (خ ۱۰۵).

می‌کنید، و نه آنکه را چنین کُند یاری می‌رسانید...).

این اوضاع نابسامان و غفلت و جمود و خمود حاکم بر بسیاری از «دوستان»، البته راه شیطنت‌کثیری از «دشمنان» را نیز هموار کرده است.^۱ هجمه‌های سخت و سنگینی که بعضی مکاتب استشرافی باختری و شاگردان و پروردگانشان در خاور اسلامی، متوجه سنت اسلامی ساخته‌اند و بر پیش‌فرضهائی مُنکِرانه ولی غالباً پوشیده و پنهان ابنا دارد، بحق از بزرگترین دغدغه‌های فرهنگی شماری از اندیشه‌ورانِ مسلمان در روزگار ما بوده و هست.^۲ این هجمه‌ها که در دهه‌های اخیر - أحياناً با انگیزه‌های سیاسی و بر پست‌رئانی که سیاسیان گسترانیده‌اند - به متون عقیدتی و حدیثی شیعه متوجه گردیده است، مادام که در این اقالیم با

۱. علامه مُجاهد، آیه‌الله سید محمدحسین حسینی جلالی - دام عزّه -، در نامه‌ای به یکی از یاران خویش چنین می‌نویسد: «... و في الختام، أوصيك - يا أخي! - بالتقوى والعمل الذّوَّب لِأُمَّةٍ تُعِشُ بَيْنَ يَقْظَةِ الْأَعْدَاءِ وَغَفْلَةِ الْأَصْدِقَاءِ، وَلَا خَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّهِ.» (فهرس الثّراث، محمدحسین الحسینی الجلالی، تحقیق: محمدجواد الحسینی الجلالی، ط: ۱، قم: دلیل ما، ۱۴۲۲ ه. ق. ۱۳۹۴/۲؛ تأکید از ماست).

۲. سنج: آرمان‌ها و واقعیّت‌های اسلام، دکتر سید حسین نصر، ترجمه شهاب‌الدین عباسی، ج: ۱، تهران: دفتر پژوهش و نشر شهروردی، ۱۳۸۳ ه. ش.، صص ۱۷۱-۱۷۵.

مأسوف‌علیها، آن ماری شپیل، بانوی مستشرقی که می‌کوشید با مسلمانان هم‌دلی و رزّد، خستونی و تنبیه قابل اعتنائی درباره «پیش‌فرض مُنکِرانه»ی پیشگفته دارد. نگر: درآمدی بر اسلام، آن ماری شپیل، ترجمه دکتر عبدالرحیم گواهی، ج: ۱، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۵ ه. ش.، ص ۹۵.

کرده که گفت از آن حضرت شنیدم که فرمود:

«مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَسْتَكْمَلَ الْإِيمَانَ كُلَّهُ فَلْيَقُلْ: الْقَوْلُ مِنِّي فِي جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ
قَوْلُ آلِ مُحَمَّدٍ، فِيمَا أَسْرَوْا وَ مَا أَعْلَنُوا، وَ فِيمَا بَلَغَنِي عَنْهُمْ وَ فِيمَا لَمْ
يَبْلُغَنِي.»^۱

(یعنی:

هر که را خوش آید که همه ایمان [خود] را کامل گرداند، باید بگوید:
سخن و باور من در همه چیز [همان] سخن و باور آل محمد است؛ چه در
آنچه نهان داشته‌اند و چه در آنچه آشکار گردانیده‌اند، و چه در آنچه از
ایشان به من رسیده است و چه در آنچه به من نرسیده).

خداوند را می‌خوانیم و از او در می‌خواهیم تا ما را بر دین مبین و آئین
متین ایشان زنده بدارد و بمیراند.

□ □ □

گفتارهای سه گانه این دفتر در سالهای پیش و با فواصل زمانی
مُعْتَدَبِهی که از یادداشت فرجامین هریک هویداست، و هریک به
مناسبتی، به قلم آمده است.^۲ زین‌رو، پاره‌ای تفاوتها در سیاق و صورت

→ ۱۴۱۵ ه. ق.، ص ۳۲۱.

۱. الْأُصُولُ مِنَ الْكَافِي، همان ط.، ۱/۳۹۱ («بَابُ التَّسْلِيمِ وَ فَضْلِ الْمُسْلِمِينَ»، ح ۶).

۲. گفتار نخست این سه گفتار، به خواستاری مدوّنانِ یادنامه‌ای که تدوین و
انتشار آن با تأخیر و موانع متعدّد مواجه شد و هنوز انتشار نیافته است، در
آغاز خزان ۱۳۸۷ ه. ش. قلمی گردید.

گفتار دوم، در سال ۱۳۸۶ ه. ش. به خواستاری برگزارکنندگانِ کنگره
بزرگداشتِ ثقه‌الاسلام کلینی - اَعْلَى اللَّهِ مَقَامَهُ الشَّرِيف - نوشته شد و در

نگارش و تدوینشان هست که ضرورتی در زودودن آن ندیدم (و از بن، جز برخی دگرسازیهایی بسیار جزئی ویراستارانه، تغییری در ساختار و مواد مقالات نداده‌ام). بی‌گمان خوانندگان فرهیخته این دفتر خود استقلال نگارش هر مقاله را به هنگام مطالعه آن در نظر خواهند داشت.

از مدیر محترم انتشاراتِ اَساطیر، آقای عبدالکریم جرّزه‌دار، که به انتشار پژوهشهای ایران‌شناختی و اسلام‌شناختی دلبستگی دارند و نشر این دفتر را نیز در عهده کفایت گرفتند، سپاسگزارم و بهروزشان را آرزو می‌برم.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ أَوَّلًا وَ آخِرًا
کمین خادم کتاب و سنت:
جویا جهانبخش
اصفهان / ۱۳۸۹ ه. ش.

→ مجموعه مقالات فارسی کنگره بین‌المللی ثقة‌الاسلام کلینی (قم دارالحدیث، ۱۳۸۷ ه. ش.، ۴/ ۴۳۳-۴۶۸) به چاپ رسید.

گفتار سوم - که بنیانی کتابگزارانه دارد -، در آغاز فصل خزان ۱۳۸۸ ه. ش. برای انتشار در مجله آینه پژوهش به قلم آمد، و سرانجام نیز در همان مجله (ش ۱۲۰ - بهمن و اسفند ۱۳۸۸ ه. ش. -، صص ۵۹-۴۱) انتشار یافت.

پیداست که نشر این گفتارها در مجموعه‌های پیشگفته، گاه راه تصرفات معمول و ناگزیر ویراستاران هر مجموعه را به نوشتار من گشوده است. در این دفتر نشانی از تصرفات یادشده نیست و متن اصلی مکتوبات پیش نظر خوانندگان گرامی واقع می‌شود.